

مطالعه انتقادی مقررات کنوانسیون منع تبعیض جنسیتی علیه زنان و ارائه الگوی اسلامی

چکیده

یکی از دغدغه‌های حامیان حقوق بشر در دو قرن اخیر حمایت از حقوق زنان بوده است. تلاش‌های بین‌المللی منجر به رسمیت شناخته شدن اصل منع تبعیض جنسیتی در شماری از اسناد مرکزی حقوق بشری و بطور خاص کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان گردیده است. اما گزارشات کمیته رفع تبعیض از کشورهای عضو حاکی از آن است که بسیاری دولت‌ها، از جمله دولت‌های اسلامی، التزام چندانی به مقررات آن نداشته‌اند. لذا بررسی مفاهیم حوزه تبعیض جنسیتی و مقررات کنوانسیون خصوصاً از جهت امکان‌سنجی اجرای آن‌ها در جوامعی که از هنجارهای فرهنگی و مذهبی متفاوتی برخوردارند اهمیت دارد. این تحقیق با شیوه توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای به دنبال ارائه پاسخ به این سوال است که «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان چه رویکردی به هنجارهای حاکم بر جوامع دارد و ملاحظات شریعت اسلامی چه الگوی حقوقی را برای ارائه در حقوق داخلی و در چهارچوب کنوانسیون می‌طلبد؟». لذا پس از بررسی اختصاری مفاهیم بنیادی حوزه برابری جنسیتی، به نقد مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ و تبیین چیستی و چرایی کاستی‌های این سند پرداخته شده است. سپس به محورهای اصلی تعارض مقررات کنوانسیون با هنجارهای حاکم در جوامع اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و الگوهایی برای فائق آمدن بر آنها ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تبعیض جنسیتی، حقوق زنان، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، حقوق طبیعی، برابری، فردگرایی.

مقدمه

منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر از اولین اسناد بین‌المللی به شمار می‌آیند که به برابری جنسیتی به عنوان حق اساسی بشر تصریح دارند.^۱ تأکید این اسناد بر تساوی حقوق زن و مرد اما به جهت عدم برخورداری از ضمانت اجرایی مشخص، الزام حقوقی چندانی به دنبال نداشت و بیشتر به توصیه‌های اخلاقی شبیه بود. لذا مجمع عمومی سازمان ملل، سال‌های (۱۹۷۶)–(۱۹۸۵) را «دهه سازمان ملل برای زنان» با عنوان تساوی، توسعه و صلح نامید و تلاش‌های متعددی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، راجع به حقوق زنان صورت گرفت.^۲ سازمان ملل همچنین چهار کنفرانس را ناظر به مسائل زنان برگزار کرد که کنفرانس‌های مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کینهاک (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵) و پکن (۱۹۹۵) از آن جمله است.^۳ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)^۴ و استراتژی آینده‌نگر «نایروبی» و سند «پکن» را می‌توان از ارزشمندترین دستاوردهای این فعالیت‌ها در راستای بهبود جایگاه بین‌المللی زنان محسوب نمود.^۵ البته برخی از این اسناد و سازکارها لزوماً هنجارهای با ماهیت حقوقی سخت به بار نیاورده‌اند؛ از این رو می‌توان شاخص‌ترین اسناد بین‌المللی که امروزه دفاع از جایگاه حقوقی زنان در سطح بین‌المللی و با الزام حقوقی قابل توجهی را به ارمغان آورده‌اند، همان منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر،

¹ Charter of the United Nations (24 October 1945) preamble and art 1(3). Universal Declaration of Human Rights (10 December 1948) preamble and art 2(1).

² General Assembly resolution endorsing the outcome of the World Conference of the International Women's Year : A/RES/3520 (XXX), 15 December 1975.

³ Intergovernmental Support, "World Conferences on Women", [available at: https://www.unwomen.org/en/how-we-work/intergovernmental-support/world-conferences-on-women#nairobi](https://www.unwomen.org/en/how-we-work/intergovernmental-support/world-conferences-on-women#nairobi), accessed 10 August 2023.

⁴ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (18 December 1979) (CEDAW).

از این پس و جهت اختصار به ذکر عبارت «کنوانسیون ۱۹۷۹» اکتفا می‌شود.

⁵ Nairobi Forward-Looking Strategies for the Advancement of Women (July 1985). Beijing Declaration and Platform for Action (September 1995).

میثاق حقوق مدنی و سیاسی،^۶ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و بطور خاص کنوانسیون ۱۹۷۹ دانست.^۷

کماکان اما مسأله رعایت حقوق زنان و تساوی حقوقی زن و مرد از مسائل مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی است؛ تا آنجا که حتی رشته ای تحقیقاتی تحت عنوان «حقوق تبعیض جنسیتی»^۸ پا به عرصه وجود گذاشته است.^۹ این دغدغه‌ها خصوصاً نسبت به جوامعی که حقوق و شأن زنان به علت مولفه‌هایی چون عادات و رسوم، اعتقادات و یا حتی قوانین مورد چون و چرا قرار دارد بیشتر است. برای مثال اخبار پراکنده از ربودن دختران و زنان دانش‌آموز در نیجریه با مقاصد قاچاق به کشورهای اروپایی یا دیگر سوء استفاده‌های نامشروع، قدرت گرفتن طالبان در افغانستان و چگونگی برخورد آن‌ها با حقوق زنان، یا حتی فوت مهسا امینی در سال (۱۴۰۱) و انتقادات راجع به نحوه برخورد قوه مجریه با زنان در ایران، ملاحظات حقوقی پیرامون هنجارهای بین‌المللی ناظر بر جایگاه زن و الزامات و مقتضیات آن را در صدر مسائل مورد توجه حقوقدانان قرار داده است.^{۱۰} از این رو است که واکاوی مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ به عنوان شاخص‌ترین سند بین‌المللی حاکم بر رفع تبعیض علیه زنان و مطابقت مفاد آن با رویکرد اسلامی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگرچه موارد نقض حقوق زنان از اروپا و آمریکا نیز مخابره می‌شود لیکن عمده

⁶ International Covenant on Civil and Political Rights (16 December 1966) arts 3 and 23(2).

⁷ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (16 December 1966) arts 3 and 7(a)(i).

⁸ The Law of Sex Discrimination

⁹ Raymond F. Gregory, *Women and Workplace Discrimination: Overcoming Barriers to Gender Equality* (London: Rutgers university Press, 2003) at 4-79.

¹⁰ Oko Chima Enworo, Vivian Chizoma Njemanze, "Acceptable Minimum Threshold of Universal Access to Social Services for Women in Nigeria: A Review of Selected Issues in the National Gender Policy", *Journal of International Women's Studies*, No. 23(1), (2022), at 63-65. Roshni Kapur, "Women's rights under the Taliban in Afghanistan: The China Factor", (2023), available at: <https://www.mei.edu/publications/womens-rights-under-taliban-afghanistan-china-factor>, accessed 11 August 2023.

تبلیغات رسانه‌ای و محافل بین‌المللی راجع به تبعیض علیه زنان بر سرزمین‌های اسلامی تمرکز دارد.^{۱۱}

علیرغم اینکه کنوانسیون ۱۹۷۹ در میان اسناد مرکزی حقوق بین‌الملل بشر اولین رتبه را از حیث تعداد دولت‌های عضو به خود اختصاص داده، تداوم اشکال گوناگون نقض مقررات کنوانسیون در کشورهای عضو حکایت از عدم موفقیت نسبی این سند دارد.^{۱۲} لذا تلاش برای ارائه الگویی اسلامی در دو حوزه اهمیت دارد. اولاً، ارائه رویکرد حقوقی واحدی از سوی جوامع اسلامی نسبت به حقوق زن و رفع اشکال گوناگون تبعیض جنسیتی با تلاش در مشارکت تمامی آرای فقهی، اصلاح قوانین و مقررات در صورت امکان و معرفی رویه‌های مطلوب؛ ثانیاً، طرح ملاحظات و اصلاحات حقوقی که با اعمال آن‌ها، مقررات کنوانسیون در جوامع اسلامی نیز مقبولیت و التزام بیشتری را تجربه نماید. این مهم، با توجه به تصویب پروتکل اختیاری این کنوانسیون از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در سال (۱۹۹۹) و اقبال نسبی دولت‌ها به این پروتکل و شمار رو به افزایش طرح دعاوی مستقیم افراد علیه دولت‌ها، نزد کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ضرورت بیشتری نیز پیدا کرده است.^{۱۳} خصوصاً اینکه جهان‌بینی شیعی نسبت به مقوله زن و حقوق زنان نه تنها در دکتترین حقوقی راجع به کنوانسیون ۱۹۷۹، بلکه در آراء و نظرات اندیشمندان مسلمان نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش می‌شود که پاسخ مناسبی به این سوال اصلی ارائه شود که «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان چه رویکردی به هنجارهای حاکم بر جوامع دارد و ملاحظات شریعت اسلامی چه الگوی

¹¹ Juliana Menasce Horowitz, Ruth Igielnik, "A Century After Women Gained the Right To Vote, Majority of Americans See Work To Do on Gender Equality", (2020), [available at: https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/07/07/a-century-after-women-gained-the-right-to-vote-majority-of-americans-see-work-to-do-on-gender-equality/](https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/07/07/a-century-after-women-gained-the-right-to-vote-majority-of-americans-see-work-to-do-on-gender-equality/), accessed 9 August 2023.

¹² Office of the High Commissioner, "The Core International Human Rights Instruments and Their Monitoring Bodies", [available at: https://www.ohchr.org/en/core-international-human-rights-instruments-and-their-monitoring-bodies](https://www.ohchr.org/en/core-international-human-rights-instruments-and-their-monitoring-bodies), accessed 10 August 2023.

¹³ Centre for Women, Peace and Security, "CEDAW's Key Cases on Violence against Women", [available at: https://blogs.lse.ac.uk/vaw/int/cedaw/cedaws-key-cases/](https://blogs.lse.ac.uk/vaw/int/cedaw/cedaws-key-cases/), accessed 10 August 2023.

حقوقی را برای ارائه در حقوق داخلی و در چهارچوب کنوانسیون می‌طلبد؟». لذا در جهت اثبات این فرضیه که کارآمدی کنوانسیون ۱۹۷۹ همواره از بعد هنجاری و سازکار اجرائی با کاستی‌ها و انتقاداتی مواجه است و توجه تهیه‌کنندگان این سند، یا حسب مورد تدوین‌کنندگان سازکار حقوقی جایگزین یا نمونه اصلاح شده آن به منظومه فقهی اسلام و هتجارهای مذهب تشیع در تقویت و جامعیت رویکرد حقوقی بین‌المللی نسبت به ابعاد تبعیض جنسیتی کارگشا است، پس از بررسی اختصاری مفاهیم بنیادی حوزه تبعیض جنسیتی، به نقد مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ و تبیین چیستی و چرائی کاستی‌های این سند می‌پردازد. در این بخش به میزان سازگاری مقررات کنوانسیون و قوانین داخلی کشورمان نیز از حیث امکان و کیفیت توجیه مطابقت این دو پرداخته می‌شود. قسمت آخر نیز آموزه‌های حقوقی اسلام در پرتو مواضع شناختی حضرت علی (ع) و قوانین موضوعه کشورمان برای فائق آمدن بر چالش‌های برابری میان زن و مرد و کاستی‌های کنوانسیون امکان‌سنجی می‌شود. ضرورت بررسی این مهم در پرتو مواضع ایشان نیز از این حیث است که برخلاف بسیاری از علمای اسلامی خود تجربه حاکمیتی داشته‌اند و قهراً به این مقوله نه صرفاً از منظر تئوری، بلکه در عالم مدیریت جامعه نیز توجه داشته‌اند. حال آنکه مطالعات اسلامی که تاکنون در نقد کنوانسیون ۱۹۷۹ انجام شده کمتر به رویکرد کلی اندیشه شیعی توجه داشته است. نهایتاً نیز نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه تحقیق به همراه پیشنهاداتی برای اصلاحات احتمالی این سند در آینده و یا نحوه اعمال و تفسیر مقررات فعلی آن ارائه می‌شود.

۱. عناصر مفهومی منع تبعیض علیه زنان

در جهت استحصال شناخت لازم از جوانب حقوقی مقوله منع تبعیض علیه زنان لازم است ابتدائاً شناختی از عناصر حقوقی مرکزی این حوزه حاصل گردد. مفاهیمی چون اصل برابری جنسیتی،^{۱۴} منع تبعیض جنسیتی،^{۱۵} حقوق زنان^{۱۶} و حقوق بشر زنان^{۱۷} در زمره اصطلاحاتی است که همواره در متون حقوقی این حوزه متبلور است.

¹⁴ Gender Equality.

¹⁵ Non-Gender Discrimination.

¹⁶ Woman's Right.

¹⁷ Human Riglindhts of Women.

۱-۱. اصل برابری جنسیتی

برابری که بعضاً مترادف مساوات دانسته می‌شود از اصول حقوق عمومی است و به موجب آن همه مردم صرف نظر از جنس، طبقه، مذهب، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف مساوی برخوردار باشند.^{۱۸} برابری در معنای عدالت نیز آمده است در حالی که با آن متفاوت است. پس مراد همان عدم تبعیض نارواست؛ زیرا برخی از تفاوتها مطلوب و عین عدالت است.^{۱۹} امروزه برابری جنسیتی از ارزش‌های مرکزی حقوق بشر و نهادهای سازمان ملل است.^{۲۰} این اصل با معرفی اهداف توسعه پایدار جایگاه پنجم از این اهداف را به خود اختصاص داده است. از این رو دولت‌ها برای نیل به برابری جنسیتی ذیل هدف پنجم توسعه پایدار، فارغ از تکالیف سلبی، ملزم به اعمال مثبت و ایجابی گسترده‌ای در قالب نه هدف و چهارده شاخص مختص به این حوزه شده‌اند.^{۲۱} در کنوانسیون ۱۹۷۹ بکار بردن تساوی زن و مرد، اصولاً بدین معنی و مفهوم است که حقوق زن را به حد تساوی (در معنی مشابهت) با حقوق مردان برساند.^{۲۲}

۱-۲. منع تبعیض جنسیتی

امروزه تبعیض بر مبنای جنسیت تقریباً به موجب تمامی معاهدات حقوق بشری منع شده است.^{۲۳} از این رو اصل منع تبعیض از اصول اساسی حقوق بشر محسوب می‌شود که بطور کلی هرگونه تفاوت گذاشتن و متمایز ساختن بدون توجیه منطقی بین انسانها را مردود

^{۱۸} محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ هشتم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰) صص ۳۳۲-۳۳۳.

^{۱۹} محمد آشوری و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت (تهران: خرسندی، ۱۳۹۴) صص ۲۱۸-۵۰.

^{۲۰} Office of the High Commissioner, "Gender Equality and Women's Rights", available at: https://www.ohchr.org/en/topic/gender-equality-and-womens-rights?gclid=Cj0KCQjwoeemBhCfARIsADR2QCume_UmIv36H3x6CANPY1H0cZ9qkZ-g_JwcDTNWeD66rCrExQo0dMkaAkSpEALw_wcB, accessed 11 Augut 2023.

^{۲۱} UN General Assembly, Transforming our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1, 21 October 2015, goal no 5.

^{۲۲} CEDAW, 1979, art 15(2).

^{۲۳} Office of the High Commissioner, "Gender Equality", op. cit.

می‌داند و تفاوت‌هایی از حیث سن، رنگ، نژاد، دین و مذهب، قومیت و جنسیت را دلیلی برای تبعیض در حقوق انسان‌ها نمی‌داند.^{۲۴} تبعیض جنسیتی علیه زنان به معنی هرگونه محروم ساختن زنان از حقوق یا امتیازی خاص صرفاً به دلیل زن بودن آنها است. لذا اعطای امتیازی خاص به مردان نیز می‌تواند مصداق تبعیض جنسیتی باشد. اگرچه وضع قوانینی خاص در حمایت از زنان یا اعطاء امتیازی معین برای این قشر نیز در دائره تعریف تبعیض جنسیتی می‌آید لیکن تبعیض جنسیتی در اصطلاح صرفاً به گونه اول، یعنی تبعیض جنسیتی علیه زنان اطلاق می‌گردد.^{۲۵} بر همین مناسبت که اعمال تبعیض آمیز را عمدتاً به دو گونه تقسیم نموده‌اند: تبعیض مثبت و تبعیض منفی. در قسم اول دولت سعی می‌کند تا با وضع مقررات حمایتی حقوق و وضع معیشتی زنان را به حداقل‌های پذیرفته شده ارتقاء دهد. نوع دوم اعمال تبعیض آمیز همان قوانین و رفتارهای تبعیض آمیزی است که زن را صرفاً بر مبنای زن بودنش از حق یا امتیازی خاص محروم می‌کند.^{۲۶}

از الزامات اصل منع تبعیض در نظام‌های حقوقی مختلف برداشتن قوانین تبعیض آمیز، تصویب قوانین رفع تبعیض و اجرای آن می‌باشد که می‌تواند منجر به برابری در حقوق زن و مرد گردد.^{۲۷}

۳-۱. حقوق زنان

حقوق زنان به معنی حق ایشان برای برخورداری از مزایای برابر با مردان در تمامی شئون اجتماعی است.^{۲۸} این شامل کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که زنان از آن برخوردارند یا

^{۲۴} محمدعلی موحد، در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، چاپ ۶ (تهران، نشر کارنامه، ۱۴۰۰) صص ۴۰۰-۴۱۰.

^{۲۵} CEDAW, 1979, art 4.

^{۲۶} Ifeyinva Nsude, Vivian-Peace Nwinaene, and Blessing Oko, "Impact of Online Behaviour on Gender Equity: Special Focus on Facebook and Blogs" in Nkem Fab-Ukozor, Onyebuchi Chima Alexander (eds), *Gender and National Development: Issues and Perspectives* (Cambridge: Cambridge Scholars Publishing, 2023) at 46-58.

^{۲۷} Eg. Equality Act 2010 (October 2010) ch 2. Treaty Establishing European Economic Community (Treaty of Rome) (1957) art 119.

^{۲۸} Cambridge Dictionary, "Meaning of women's rights in English", [available at: https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/women-s-rights](https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/women-s-rights), accessed 10 August 2023.

باید برخوردار باشند. مانند حق رأی،^{۲۹} حق کار کردن،^{۳۰} حق انتصاب به مشاغل و پست‌های دولتی و غیره. حقوق زنان ممکن است در برخی جوامع بطور اختصاصی مورد حمایت قانون قرار گیرد.^{۳۱} مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۹ نیز تضمین رفتار برابر از سوی دولت را یکی از حقوق زنان می‌داند. لذا کنوانسیون تکلیف ایجابی بر اعضاء وضع نموده تا تحقق و بهبود حقوق زنان در حوزه‌هایی چون حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی را پیگیری نمایند.

۴-۱. حقوق بشر زنان

مقصود از حقوق بشر زنان حقوقی است که متضمن انسانیت و کرامت جنس زن است. اینگونه حقوق متضمن منع نگاه جنسیتی به زنان است و رفتار برابر با آنها را تضمین می‌کند و برای جنس زن ارزش ذاتی قائل است. برای نمونه حق شرکت در انتخابات یا حق انتخاب همسر می‌تواند مصداقی از حقوق بشر زنان باشد که خود ثمره حق تعیین سرنوشت است.^{۳۲}

۲. مطالعه انتقادی مقررات کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۱۹۷۹

بطور کلی کنوانسیون ۱۹۷۹ از دو جهت مورد نقد قرار دارد. از حیث هنجاری و از حیث ضمانت اجرایی. لذا کنوانسیون حاوی مقرراتی است که در پاره‌ای از موارد نه تنها با آموزه‌های اسلامی بلکه با عادات و رسوم رایج در برخی دیگر از فرقه‌ها و مکاتب چون هندوئیسم نیز سازگاری ندارد؛^{۳۳} همچنان که با الگوی حقوق بشر اسلامی نیز فاصله دارد.^{۳۴}

²⁹ Suffrage, the right to vote.

³⁰ Right to work.

³¹ Eg. Maternity Protection Act 1994 (December 1994). Equal Pay Act 1970 (May 1970).

³² Ekaterina Yahyaoui Krivenko, *Women, Islam and International Law: Within the Context of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women* (Leiden: Brill, 2009) at 41.

³³ Indira Sharma, "Violence Against Women: Where are the Solutions?," *Indian Journal of Psychiatry*, No. 57(2), (2015), at 131-139.

³⁴ Cf. The Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990) arts 2(d), 5, and 6.

۱-۲. منع تبعیض جنسیتی در کنوانسیون

در کنوانسیون ۱۹۷۹ منع تبعیض علیه زنان و اصطلاح تساوی^{۳۵} زن و مرد اصولاً بدین معنی و مفهوم است که حقوق زن را به حد مشابه^{۳۶} با مرد برساند.^{۳۷} به عبارت دیگر فلسفه تصویب کنوانسیون مساوی کردن حقوق زنان و مردان در تمامی شئون است و این تساوی ظاهراً تساوی ظاهری و ریاضی است؛ از همین رو است که ردی از تصریح به انصاف در برابری حقوق،^{۳۸} برابری حقوق به شکل عادلانه^{۳۹} و یا منصفانه^{۴۰} ذیل مواد کنوانسیون دیده نمی‌شود. حال آنکه میان برابری و انصاف در برابری حقوق زن و مرد تفاوت آشکار در توجه به ظرفیت و ویژگی‌های ذاتی هر دو جنس وجود دارد.^{۴۱}

تجربه بیش از چهار دهه اعمال کنوانسیون ۱۹۷۹ حکایت از این واقعیت دارد که مساوی ساختن ظاهری حقوق زن و مرد در بسیاری زمینه‌ها عملاً غیر ممکن است. حتی در برخی موارد نیز به زیان زنان است.^{۴۲} بهتر بود به جای واژه برابری به شکل مطلق آن، از عبارت برابر ساختن منصفانه یا عادلانه حقوق زنان با مردان استفاده می‌شد تا در هر مورد که زنان ظرفیت ذاتی کمتری برای برخورداری از حقوق دارند مقررات حمایتی به کمک آنها بشتابد. البته مفاد ماده (۲) در توصیه اتخاذ تدابیر تبعیضی مثبت تا حدی این ایراد را رفع کرده است. لیکن گزارشاتی که از پیامدهای سوء قوانین حمایت از حقوق زنان (تبعیض مثبت) در کشورهای گوناگون مخابره می‌شود حاکی از این است که اجرای این

³⁵ Equality.

³⁶ Identical. See eg. CEDAW, 1979, art 15(1).

³⁷ CEDAW, 1979, art 1.

³⁸ Equity.

³⁹ Just (equitable).

⁴⁰ Fair.

⁴¹ Australian Human Rights Commission, "Let's talk about equality and equity", available at: <https://humanrights.gov.au/lets-talk-about-equality-and-equity>, accessed 10 August 2023. Nsude, Nwinaene, and Oko, op. cit. at 49-50.

⁴² Leanne E. Atwater et al., "Looking Ahead: How What We Know About Sexual Harassment Now Informs Us of the Future", *Organizational Dynamics*, No. 48(4), (2019).

قوانین در بسیاری موارد منجر به حاشیه راندن آنها، تبعیض در استخدام و یا عدم مشارکت در فعالیت‌های اداری، جمعی و سیاسی شده است.^{۴۳}

۲-۲. رویکرد ماهوی کنوانسیون و ملاحظات هنجارهای حاکم بر جوامع

آنطور که از محتوای کنوانسیون استنباط می‌شود، این سند رویکردی تک بعدی نسبت به لزوم اصلاحات در راستای تحقق حقوق یکسان میان زن و مرد اتخاذ داشته است. به موجب این رویکرد که بیشتر به مکتب اثبات‌گرائی^{۴۴} حقوقی نزدیک است، کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد تدابیر مناسب در جهت رفع تبعیض میان زن و مرد در شئون مختلف، از جمله حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اتخاذ دارند.^{۴۵} البته اصلاح برخی مقررات داخلی و رویکردهای حاکمیتی در قبال زن و حقوق ایشان مفید فایده بوده و لزوماً مغایرتی نیز با موازین اسلامی نخواهد داشت؛ لیکن کنوانسیون هیچ تصریحی به هنجارها^{۴۶} ندارد. به عبارت دیگر کنوانسیون برای ارزش‌های حاکم بر جوامع موضوعیت چندانی قائل نیست و صرفاً با رویکردی اثبات‌گرایانه از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که در راستای رفع تبعیض در تمامی اشکال آن اقدام کنند. وانگهی مقررات کنوانسیون به اختصار بیان شده و طبیعتاً بسیاری از ملاحظات حقوقی و اجرائی را از نظر دور داشته است. البته این آفت بسیاری از اسناد حقوقی بین‌المللی است که به دلایل مختلفی چون هزینه‌بر بودن مذاکرات و تدوین اسناد جامع، ملاحظات سیاسی، یا صرفاً با هدف کسب مقبولیت بیشتر در سطح جهانی به جزئیات دقیق حقوقی ورود پیدا نمی‌کنند.^{۴۷} این وضعیت می‌تواند منجر به ناسازگاری^{۴۸} میان رویه دولت‌ها در چگونگی التزام به مقررات کنوانسیون و همچنین صدور آرای ناسازگار از سوی محاکم، حتی در شرائط مشابه گردد؛ نتایجی که از آفات قوانین و

⁴³ Ibid.

⁴⁴ Legal positivism.

⁴⁵ CEDAW, 1979, arts 3, 5, and 13.

⁴⁶ Norms.

⁴⁷ Nora Salem, *The Impact of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women on the Domestic Legislation in Egypt* (Leiden: Brill, 2018) at 28-40. Alain Pellet, "Reservations to Treaties and the Integrity of Human Rights" in Scott Sheeran, Sir Nigel Rodley (eds), *Routledge Handbook of International Human Rights Law* (London: Routledge, 2013) at 323-338.

⁴⁸ Inconsistency.

معاهدات دارای ابهام محسوب می‌شود.^{۴۹} این در حالی است که تدریجاً و از اواخر قرن بیستم شاهد معاهداتی هستیم که مسائل حقوقی را با دقت و جزئیات بیشتری مورد پردازش قرار می‌دهند. برای مثال می‌توان به موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)^{۵۰} اشاره داشت که تجارت و سرمایه‌گذاری میان سه کشور کانادا، ایالات متحده و مکزیک را فارغ از گستره سازکارهای نهادی که تأسیس نموده،^{۵۱} در حداقل ۲۲۰۶ ماده دنبال می‌کند. نمونه دیگر موافقت‌نامه تجارت آزاد میان انگلستان و اوکراین است که علاوه بر شمار متعددی از ضمايم، سعی در تنظیم روابط اقتصادی طرفین با بهره‌گیری از حداقل ۴۱۸ ماده نسبتاً مفصل^{۵۲} دارد.^{۵۳} آیا پیچیدگی و گستره مسائل مبتلی به در فرآیند رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سطح بین‌المللی و با توجه به ملاحظات متنوع انسانی، اقتصادی، فرهنگی، قومیت و مذهب در کشورهای مختلف کمتر از روابط اقتصادی و تجاری میان دو یا چند کشور است؟

۲-۳. سازکار اجرای مقررات کنوانسیون

عمده معاهدات حقوق بشری از عدم وجود ضمانت اجرائی مناسب رنج می‌برند. مشکلی که اساساً کارآمدی برخی الزامات این اسناد را تهدید می‌کند.^{۵۴} کنوانسیون ۱۹۷۹ نیز از این رویه مستثنی نیست. در این سند ضمانت اجرائی صریحی در عدم رعایت مقررات

⁴⁹ Joshua B. Fischman, "Measuring Inconsistency, Indeterminacy, and Error in Adjudication", *American Law and Economics Review*, No. 16(1), (2014), at 41-49.

⁵⁰ North American Free Trade Agreement between Canada, The United States and Mexico (NAFTA) (signed 17 December 1992).

⁵¹ Eg., Consultations and Committee on Trade in Goods, Committee on Agricultural Trade, and Advisory Committee on Private Commercial Disputes regarding Agricultural Goods. NAFTA, arts 316, 706-7.

⁵² Broad clauses.

⁵³ Free Trade Agreement between the UK and Ukraine (signed 8 October 2020). See also United Nations Convention on the Law of the Sea (signed 11 December 1982). The Convention consists of 320 broadly drafted Articles and several Annexes.

⁵⁴ حسین مهرپور، «سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آنها در نقض حقوق بشر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۱(۴)، (۱۳۸۸)، صص ۱۰-۲۹.

کنوانسیون پیش‌بینی نشده است. شاید بتوان گزارشات کمیته محو تبعیض علیه زنان^{۵۵} که از طریق دبیر کل ملل متحد جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می‌شود را نوعی ضمانت اجرائی عدم رعایت مقررات کنوانسیون دانست.^{۵۶} البته چهره‌ای که این گزارشات از دولت‌های ناقض مقررات منع تبعیض ارائه می‌دهد می‌تواند تبعات بین‌المللی داشته باشد. اما به نظر می‌رسد این سازکار را نمی‌توان ضمانت اجرائی در معنای سنتی آن دانست و از این رو ضمانت اجرای منظور شده ذیل کنوانسیون ۱۹۷۹ بیشتر ماهیت حقوق نرم دارد و کمیته صرفاً درخواست‌هایی را از دولت‌های عضو در پاسخ به گزارشات، یا در قالب توصیه‌های عمومی^{۵۷} خود تکرار می‌کند.^{۵۸}

برخی نویسندگان ادعا دارند که بیشترین حق شرط در میان معاهدات حقوق بشری بر کنوانسیون ۱۹۷۹ اعمال شده است.^{۵۹} این علیرغم تفسیر کمیته است که اعمال حق شرط بر مواد (۲) و (۱۶) را وارد نمی‌داند.^{۶۰} لیکن به علت عدم وجود ضمانت اجرای متناسب دولت‌ها در عمل نسبت به مقررات این دو ماده نیز حق شرط قائل می‌شوند. ابهام در مقررات این سند همچنین به ارائه اعلامیه تفسیری^{۶۱} از سوی دولت‌ها منجر می‌شود. کمیته

⁵⁵ Committee on the Elimination of Discrimination against Women.

⁵⁶ CEDAW, 1979, art 21.

⁵⁷ General Recommendations.

⁵⁸ Charlotte Piveteau, "Between Law and Values: Why Soft Law Reinforces the Hybrid Nature of International Human Rights Law", (2020), [available at: https://www.implications-philosophiques.org/between-law-and-values-why-soft-law-reinforces-the-hybrid-nature-of-international-human-rights-law/](https://www.implications-philosophiques.org/between-law-and-values-why-soft-law-reinforces-the-hybrid-nature-of-international-human-rights-law/), accessed 15 August 2023. Linda M. Keller, "The Impact of States Parties' Reservations to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women", Michigan State Law Review, (2014), at 317.

⁵⁹ Susan W. Tiefenbrun, *Women's International and Comparative Human Rights* (Durham: Carolina Academic Press, 2012) at 52-53.

^{۶۰} تدابیر سیاسی که لازم است تمامی دولت‌های عضو اتخاذ دارند.

^{۶۱} مقررات مربوط به تکلیف دولت‌ها در جهت رفع تبعیض علیه زنان در شئون خانوادگی، ازدواج

و غیره.

⁶² Report of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women, U.N. Doc. A/53/38/Rev.1; GAOR, 53d Sess., Supp. No. 38 (1998), at 47-8.

⁶³ Interpretative declarations.

برای برخی از این اعلامیه‌ها نیز ماهیت حق شرط قائل شده است.^{۶۴} ابهامات ساختاری و نقاط ضعف کنوانسیون ۱۹۷۹ تا آنجاست که برخی دولت‌ها حق شرط‌های کلی^{۶۵} بر آن اعمال کرده‌اند. برای مثال دولت عربستان علاوه بر حق شرط‌هایی که به طور خاص نسبت به پاراگراف دوم ماده (۹) و پاراگراف اول ماده (۲۹) اعمال داشته، حق شرط کلی نیز نسبت به تمامی مقررات این کنوانسیون قائل شده که در صورت تعارض میان هر یک از مقررات کنوانسیون با قوانین اسلامی، اولویت با احکام شریعت است.^{۶۶}

تجربه حقوقی ثابت کرده است معاهداتی که شیوه‌های الزام‌آور حل و فصل اختلافات را مقرر نمی‌دارند از موفقیت چندانی برخوردار نخواهند بود. از نمونه‌های بارز چنین معاهداتی نیز می‌توان به پیمان بریان-کلوگ^{۶۷} اشاره داشت که عدم وجود سازکاری قطعی برای حل و فصل اختلافات منجر به شکست آن شد و در جلوگیری از به وقوع پیوستن جنگ جهانی دوم چندان کارآمد نبود.^{۶۸}

با توسعه حقوق بین‌الملل بشر اما سازکارهای طرح دعوی اشخاص علیه دولت‌ها نیز رو به تکامل و فزونی است. سیری که از آن به شخصی سازی دعاوی تعبیر می‌شود.^{۶۹} حال آنکه کنوانسیون ۱۹۷۹ علیه غم‌اینکه گستره‌ای از حقوق و تکالیف را به نفع اشخاص حقیقی تدوین نموده است، نه تنها سازکار مشخصی برای طرح دعاوی اشخاص علیه دولت‌ها مقرر نداشته بلکه صراحتاً امکان اعمال حق شرط نسبت به پاراگراف اول ماده (۲۹) راجع به حل و فصل اختلافات میان دولت‌های عضو را نیز بیان می‌دارد.^{۷۰}

⁶⁴ Ibid.

⁶⁵ General reservation (blanket reservation).

⁶⁶ Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Comments of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women: Saudi Arabia, UN Doc CEDAW/C/SAU/CO/2, (8 April 2008) at 1-2.

⁶⁷ Kellogg-Briand Pact (1928).

⁶⁸ Office of the Historian, "The Kellogg-Briand Pact, 1928", (2023), available at: <https://history.state.gov/milestones/1921-1936/kellogg>, accessed 15 August 2023.

⁶⁹ Individualisation.

⁷⁰ Stefan Kadelbach, "State Immunity, Individual Compensation for Victims of Human Rights Crimes, and Future Prospects" in Valentina Volpe et. al. (eds), *Remedies against Immunity?* (Berlin: Springer, 2021) at 143-58.

شاید به دلیل همین کاستی‌های حقوقی بوده است که کمیسیون مقام زن تهیه پروتکل اختیاری به کنوانسیون منع تبعیض هرگونه تبعیض علیه زنان را در دستور کار خود قرار داد و نهایتاً توسط مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید.^{۷۱} این سند سازکار حقوقی برای طرح دعاوی افراد علیه دولت‌های عضو کنوانسیون را فراهم آورده است.^{۷۲} سازکاری که قادر است تا حدود زیادی دعاوی راجع به تبعیض جنسیتی را غیرسیاسی^{۷۳} نماید. لیکن این پروتکل به مثابه کنوانسیونی مستقل از کنوانسیون ۱۹۷۹ شناخته می‌شود و تاکنون تنها ۱۱۵ دولت به عضویت این پروتکل درآمده‌اند و بسیاری از اعضای کنوانسیون ۱۹۷۹، خصوصاً دولت‌هایی که بیش از دیگران مورد انتقاد قرار داشته‌اند به آن نپیوسته و نسبت به مقررات آن التزامی ندارند.^{۷۴}

باید اذعان داشت که در تدوین کنوانسیون ۱۹۷۹ نوعی اغفال یا کاهلی را از حیث مقررات ماهوی و شکلی شاهد هستیم. پر واضح است که پیچیدگی رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان تدوین کنوانسیونی جامع با مقررات دقیق‌تر، یا اصلاح سازکار فعلی را می‌طلبد؛ سندی که به نحو درخوری به اقتضائات و الزامات هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جوامع کشورهای عضو توجه داشته باشد و مقوله حاکمیت یا عدم حکومت مقررات کنوانسیون را بر هر یک از آن‌ها به شکل دقیق‌تری مشخص دارد.

۳. بازخوانی ملاحظات هنجاری اسلام در جهت ارائه الگوی اسلامی و کاهش مغایرت با مقررات کنوانسیون

پر واضح است که ارائه الگوی اسلامی برای رفع یا کاهش مغایرت مقررات کنوانسیون با هنجارهای حاکم در جوامع اسلامی به معنی لزوم توجه به ملاحظات اسلامی در جای جای این سند یا هر سند جایگزین نیست. مقصود از چنین الگویی توجه به اقتضائات هنجاری جوامع مختلف از جمله جوامع با اکثریت مسلمان و قوانین اسلامی است. کما اینکه اعمال

⁷¹ Resolution adopted by the General Assembly, Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, UN Doc A/RES/54/4, (15 October 1999).

⁷² Centre for Women, Peace and Security, op. cit.

⁷³ Depoliticise.

⁷⁴ Office of the High Commissioner, "Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women", (2023), available at: <https://indicators.ohchr.org/>, accessed 15 August 2023.

مقررات کنوانسیون در جوامع سکولار و با تنوع فرهنگی نیز با دشواری مواجه بوده و کماکان گزارشات متعددی از نقض حقوق زنان از جوامع غیراسلامی نیز به گوش می‌رسد. گزارشاتی که از پیامدهای سوء قوانین حمایت از حقوق زنان (تبعیض مثبت) در کشورهای غربی در به حاشیه راندن زنان، تبعیض در استخدام و یا عدم مشارکت در فعالیت‌های اداری، جمعی و سیاسی به دست رسیده،^{۷۵} حکایت از همین لزوم توجه بیشتر به هنجارهای حاکم بر جوامع مختلف دارد.^{۷۶} چراکه وضع مقرراتی موجز برای رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در تمامی جوامع، بدون توجه به اقتضائات هنجاری آن نه تنها دور از عدالت و انصاف، بلکه با توجه به هزینه‌ها و پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند برای برخی دولت‌ها نوعی تکلیف ما لا یطاق نیز محسوب شود. مولفه‌ای که موفقیت کنوانسیون را به طور جد تحت تأثیر قرار داده است؛ خصوصاً اینکه قانون موفق لاجرم باید از پذیرش عمومی برخوردار باشد و الا به قانون متروک تبدیل شده و یا با قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی همراه خواهد بود.^{۷۷}

با این وصف ارائه یا توجه به الگوی اسلامی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری منوط به نگرش فلسفی حقوقی تدوین‌کنندگان این اسناد است. در این مقاله مجال پرداختن به مکاتب فلسفی حقوق طبیعی و اثبات‌گرایان در رابطه با ماهیت اخلاقی قوانین و لزوم اتباع از مقررات نیست.^{۷۸} لیکن نمی‌توان بطور کلی نافی اهمیت هنجارهای فرهنگی در موفقیت قوانین بود. هنجارهای فرهنگی را عمدتاً به چهار دسته تقسیم می‌نمایند. قوانین،^{۷۹} شیوه‌های قومی،^{۸۰} آداب و رسوم^{۸۱} و تابو (پرهیزها).^{۸۲} اهمیت توجه به نوع و

⁷⁵ Atwater et al., op. cit.

⁷⁶ Sharma, op. cit. Bandana Rana, Victoria Perrie, "CEDAW: A Tool for Addressing Violence against Women" in Sarah S. Aneel, Uzma T. Haroon, and Imrana Niazi (eds), *70 Years of Development: The Way Forward* (Islamabad: Sustainable Development Policy Institute, 2019) at 122.

⁷⁷ Jules L. Coleman, "The Architecture of Jurisprudence", *The Yale Law Journal*, No. 121(1), (2011): at 17

حسن موثقی، «بررسی تطبیقی مبانی فلسفی «حقوق» از منظر مکاتب حقوق بین‌الملل و

جامعه‌شناسی»، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۱۱ (۴۰)، (۱۳۹۷) ص ۸

⁷⁸ Philip Soper, *The Ethics of Deference: Learning from Law's Morals* (Cambridge: Cambridge University Press 2002) at 82-100.

⁷⁹ Laws.

⁸⁰ Folkways.

⁸¹ Mores.

ویژگی‌های هنجارهای فرهنگی حاکم بر جوامع اسلامی برای تدوین کنندگان، یا حسب مورد تفسیر کنندگان مقررات اسناد حقوق تبعیض جنسیتی خصوصاً از این جهت مهم است که میان انواع هنجارها از حیث ضمانت اجرای اجتماعی آن‌ها تمایز وجود دارد. چرا که فارغ از دخالت دولت‌ها، نقض قوانین (برای مثال قوانین متروک)، عادات و حتی برخی آداب و رسوم ممکن است هیچ مجازاتی اجتماعی برای خاطیان به دنبال نداشته باشد؛ لیکن نقض تابوها و بعضاً حتی صحبت از آن می‌تواند ضمانت اجرای قوی اجتماعی را به دنبال داشته باشد.^{۸۳}

برای درک بهتر از اهمیت پرهیزه‌های اجتماعی در جوامع می‌توان به مقوله همجنس‌گرایی در ایالات متحده اشاره داشت. به رسمیت شناختن حقوق این گروه در آمریکا و تصویب حمایت‌های قانونی از آنها و در اشکال گوناگون از سال ۱۹۶۱ آغاز شد.^{۸۴} امروزه قوانین حمایتی از همجنس‌گرایی در کشورهای غربی از قوی‌ترین سازکارها در نوع خود محسوب می‌شود؛ لیکن دولت‌های غربی کماکان با چالش‌های جدی اجتماعی و هنجاری در اجرای این قوانین مواجه هستند.^{۸۵} نمونه بارز چنین چالش‌هایی نیز اعتراضات و واکنش‌های گسترده مردمی در ایالات متحده علیه همجنس‌گرایی است که در زمره بی‌سابقه‌ترین اشکال مخالفت مدنی در ایالات متحده شناخته می‌شود.^{۸۶}

⁸² Taboos.

⁸³ John A. Perry, Erna K. Perry, *Contemporary Society: An Introduction to Social Science* (London: Routledge, 2016) at 50.

⁸⁴ Eg., Illinois Criminal Code (1961) title 3, part b. Matthew Shepard and James Byrd Jr. Hate Crimes Prevention Act (28 October 2009).

⁸⁵ Hendri Yulius Wijaya, "Conservative Islamic Forces, Global LGBT Rights, and Anticipatory Homophobia in Indonesia" in Marco Derks, Mariecke van den Berg (eds), *Public Discourses About Homosexuality and Religion in Europe and Beyond* (Switzerland: Springer, 2020) at 337-38.

⁸⁶ The Economist, "America's Far Right is Increasingly Protesting Against LGBT People", (2023), available at: <https://www.economist.com/graphic-detail/2023/01/13/americas-far-right-is-increasingly-protesting-against-lgbt-people>, accessed 15 August 2023. Zeba Warsi, Dorothy Hastings, "Why Far-Right Groups are Increasingly Targeting the LGBTQ Community", (2022), available at: <https://www.pbs.org/newshour/show/why-far-right-groups-are-increasingly-targeting-the-lgbtq-community>, accessed 10 August 2023.

به عبارت دیگر در نقض پرهیزه‌های اجتماعی (تابوها) جامعه واکنش شدیدتری نسبت به نقض عادات، آداب و رسوم و حتی قوانین موضوعه از خود بروز می‌دهد.^{۸۷} لذا به هر میزان که قانون‌گذار (از جمله تدوین‌کنندگان اسناد حقوق تبعیض جنسیتی) و یا محاکم رسیدگی‌کننده به دعاوی حوزه تبعیض جنسیتی به رویکرد حقوق طبیعی^{۸۸} گرایش داشته باشند، اهمیت هنجارهای فرهنگی حاکم بر هر جامعه برای آن‌ها بیشتر است.^{۸۹} خصوصاً اینکه قوانین غیرمنصفانه و غیرعادلانه در رویکرد حقوق طبیعی اساساً قانون محسوب نمی‌شود.^{۹۰} در جهت مخالف اما قائلین به مکتب اثبات‌گرایی حقوقی^{۹۱} تأکید کمتری بر ماهیت هنجارهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی دارند و ممکن است هر شکلی از تبعیض بین زن و مرد را در هر یک از جوامع و فارغ از هنجارهای حاکم بر آن جامعه نقض مقررات کنوانسیون تلقی دارند.^{۹۲} با این وصف مقوله تبعیض علیه زن و ابعاد هنجاری آن در هر جامعه‌ای به نوع متفاوتی می‌تواند تفسیر و اعمال گردد. خصوصاً اینکه برای مثال در قانون اساسی ایران هر جا که صحبت از حقوق زنان شده تصریح به لزوم رعایت موازین اسلامی نیز داشته است.^{۹۳} این حاکی از اهمیت هنجارهای فرهنگی در نیت ابتدائی^{۹۴} قانونگذار ایرانی دارد که با توجه به اکثریت مطلق جمعیت مسلمان در ایران این هنجارها طبیعتاً شامل موازین اسلامی و تابع الزامات مذهبی نیز هست.^{۹۵} این ویژگی قانون اساسی کشورمان را باید در پرتو قدرت یافتن مکتب حقوق طبیعی پس از دوران جنگ

⁸⁷ Heather Heunermund, Manuela Heberle, "What are Cultural Norms?", (2021), available at: <https://study.com/learn/lesson/cultural-norms-definition-examples.html>, accessed 12 August 2023.

⁸⁸ Natural law.

⁸⁹ Alan D. Cullison, "Morality and the Foundations of Legal Positivism", Valparaiso University Law Review, No. 20(1), (1985), at 61.

⁹⁰ Coleman, op. cit.

⁹¹ Legal positivism.

⁹² Cullison, op. cit. at 61-65.

^{۹۳} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، مقدمه، اصول ۲۰ و ۲۱.

⁹⁴ Original intention.

⁹⁵ Stephen M. Croucher et al., "Religion, Culture, and Communication" in J. Nussbaum (Ed.), *Oxford Research Encyclopedia of Communication* (Oxford: Oxford University Press, 2017).

جهانی دوم مورد تأمل قرار داد. رویکردی که قوانین و مقررات را به هیچ وجه جدای از هنجارهای اخلاقی و از جمله ارزش‌های مذهبی جامعه نمی‌داند.^{۹۶}

البته امکان اعمال حق شرط‌های گسترده بر مقررات کنوانسیون را می‌توان فرصتی برای دولت‌های حاکم بر جوامع اسلامی قلمداد کرد که در جریان تحقق رفع تبعیض میان زن و مرد در تمامی اشکال آن با دشواری‌های بیشتری روبرو هستند. لیکن به موجب پاراگراف دوم ماده (۲۸) این حق شرط‌ها نباید با هدف و مقصود^{۹۷} کنوانسیون در مغایرت باشد. تعیین اینکه کدام حق شرط با هدف و مقصود کنوانسیون در تعارض است اما نیاز به تفسیر دارد. چرا که هدف و مقصود عناصری ذهنی^{۹۸} هستند و معیار واحدی برای احراز مغایرت با آن‌ها وجود ندارد.^{۹۹}

به هر حال دولت‌های اسلامی حق شرط‌های مختلفی بر کنوانسیون اعمال کرده‌اند که به اعتراض دیگر دولت‌ها منجر شده است؛ اعتراضاتی که در مواردی ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیک در آن‌ها محسوس است.^{۱۰۰} اگر چه درج بندهایی مختص رفع تبعیض علیه زنان در جوامع اسلامی می‌تواند کارآمدی کنوانسیون را تا حدود زیادی ارتقاء دهد، این امری پیچیده خواهد بود. چرا که اولاً، رویکرد فرق و مذاهب اسلامی به حقوق زنان در برخی شئون اجتماعی و خانوادگی متفاوت است؛ برای مثال در اکثر مذاهب اسلامی نکاح دختر باکره بالغ موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است،^{۱۰۱} اما فقهای حنفی معتقدند که دختر مستقلاً و بدون اذن ولی می‌تواند ازدواج کند.^{۱۰۲} همچنین است تفاوت احکام مذاهب

⁹⁶ Johannes Messner, 'Postwar Natural Law Revival and Its Outcome', *Natural Law Forum*, No. 41, (1959), at 101-105.

⁹⁷ Object and purpose.

⁹⁸ Subjective.

⁹⁹ Irene Pietropaoli, "Islamic Reservations to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women", *The Journal of Human Rights*, No. 14(2), (2019), at 96.

¹⁰⁰ Ibid. at 98.

^{۱۰۱} قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۰۷) ماده ۱۰۴۳.

^{۱۰۲} محمد جواد مغنیه، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد سرابی (تهران: بهینه، ۱۳۹۴) ص ۵۳.

اسلامی راجع به تعدد زوجات، ازدواج با غیر مسلمان، طلاق، مهر، متعه و غیره.^{۱۰۳} ثانیاً، برخی دولت‌ها اساساً قوانین مدون ندارند و اعمال احکام شریعت در این کشورها منوط به رأی محاکم است. ویژگی که البته ممکن است با استناد به اصل استقلال قاضی و دادگاه^{۱۰۴} نیز توجیه شود.^{۱۰۵} برای مثال عربستان سعودی دارای قانون جزائی مدونی نیست و از این رو آرای دادگاه‌های کیفری در این کشور به میزان زیادی تابع تفسیر قضات از احکام شریعت است. لذا تعریف عمل مجرمانه و یا مجازات هر یک از جرائم می‌تواند در هر پرونده به طور محسوسی متفاوت باشد.^{۱۰۶} ثالثاً، برخی دولت‌ها اعمال احکام شریعت را در مناطقی خاص برقرار داشته‌اند؛ حال آنکه در دیگر بخش‌های کشور التزام به مقررات رفع تبعیض علیه زنان در چهارچوب هنجاری کنوانسیون ۱۹۷۹ آسان‌تر خواهد بود. نمونه این مورد را می‌توان در کشور اندونزی جستجو کرد که استان آچه^{۱۰۷} بطور مستقل احکام شریعت اسلامی را اجراء می‌کند و در موارد متعددی تبعیض میان زن و مرد در این استان بحث برانگیز بوده است.^{۱۰۸} کمیته رفع تبعیض نیز بطور خاص اصلاح تمامی قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز در این استان و حتی تجدید نظر در احکام جزائی مبتنی بر شریعت را خواستار شده است.^{۱۰۹}

^{۱۰۳} همان، صص ۲۳-۱۹۸. سید مهدی میرداداشی، «موجبات طلاق از منظر فقه شافعی و حنفی»، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۵(۱۹)، (۱۳۹۳) صص ۷-۳۰.

^{۱۰۴} Judicial independence.

^{۱۰۵} Report of the Working Group on the Universal Periodic Review: Saudi Arabia, Human Rights Council, Twenty-fifth session, UN Doc A/HRC/25/3, (26 December 2013) at 4.

^{۱۰۶} Human Rights Watch, "The Origins of the 'Witchcraft' Charge", available at: <https://www.hrw.org/reports/1997/saudi/Saudi-03.htm#>, accessed 12 August 2023.

^{۱۰۷} Province of Aceh.

^{۱۰۸} Widya Naseva Tuslian, "The Elimination of Culture Based Discrimination Against Women in Indonesia: An Assessment Of The Implementation Of State Parties' Obligations Under Article 5(A) Of The Women's Conventions", *Indoneisa Law Review*, No. 9(1), (2019), at 12-14. See also Christina Schott, "Women's Rights in the Indonesian Province of Aceh", (2014), available at: <https://en.qantara.de/content/womens-rights-in-the-indonesian-province-of-aceh-the-population-is-being-systematically>, accessed 15 August 2023.

^{۱۰۹} Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Fifty-second session, Concluding observations of the Committee on the

بطور کلی هنجارهای جوامع اسلامی در سه حوزه اصلی با مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ تعارضاتی دارد.

۱-۳. امر قضاء

همان‌طور که می‌دانیم امکان قضاوت زن در اسلام محل اختلاف است؛ اگرچه نظر مشهور قائل بر ممنوعیت است، برخی نیز مانند شهید اول اعتقاد دارند قضاوت زن در مواردی که شهادت وی معتبر است مانعی ندارد.^{۱۱۰} به هر حال، ممنوعیت مطلق قضاوت برای زنان، با وجود شهرت، مخالفان قابل توجهی نیز دارد که از آن جمله می‌توان به شیخ انصاری، محقق اردبیلی و میرزای قمی و جمعی از فقهای معاصر چون جوادی آملی، محمدی گیلانی و مرعشی شوشتری اشاره داشت.^{۱۱۱}

با این وصف اساساً به نظر می‌رسد که عدم واگذاری منصب قضاوت به زنان در گذشته لزوماً به دلیل منع شرعی نبوده است، بلکه شاید به دلایل هنجارهای فرهنگی حاکم بر جامعه آن دوران بوده است.^{۱۱۲} لذا با تغییر اقتضانات اجتماعی عصر جدید و تحولات فرهنگی، فعالیت زنان در این عرصه دیگر به عنوان یک پرهیزه، یا حتی خلاف عرف اجتماعی محسوب نمی‌شود و می‌توان با در نظر گرفتن مواضع فقهی که قضاوت زنان را بطور کلی، یا در موارد خاص، مجاز می‌دانند با این تحولات همراه شد و در راستای رفع مغایرت قوانین استخدامی کشور با مقررات مواد (۱۱) و (۱۵) کنوانسیون ۱۹۷۹ از حیث تعهد دولت‌ها در فراهم نمودن فرصت‌های شغلی و حقوقی برابر میان زنان و مردان گام برداشت. امری که در عمل روی داده است و تعداد بانوانی که در کسوت دادیاری و قاضی

Elimination of Discrimination against Women: Indonesia, UN Doc CEDAW/C/IDN/CO/6-7, (27 July 2012) paras 17-48.

^{۱۱۰} فرج الله هدایت نیا، «قضاوت زن در پرتو احکام ثانویه»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۲، (۱۳۸۵) صص ۱۳۱-۱۶۵.

^{۱۱۱} سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد ۲ (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹) صص ۱۷۹-۱۸۸. محمد محمدی گیلانی، «شایستگی زنان برای عهده‌دار شدن قضاوت»، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۱۰، (۱۳۷۶) صص ۸۹-۱۴۶. عبد الله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵) صص ۳۴۸-۵۲.

^{۱۱۲} هدایت نیا، همان صص ۱۳۱-۱۶۵.

مشاور انجام وظیفه می نمایند روز به روز بیشتر می شود.^{۱۱۳} از این رو می توان برخی مقررات چون ماده (۱) قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب سال (۱۳۶۱) را مورد اصلاح و بازنگری قرار داد.

الگوی ارائه شده برای مشارکت زنان در امر قضاء البته نسبت به دیگر مشاغل مدیریتی نیز قابل تسری است و می تواند تنقیح مناط شود. به عنوان مثال در سیره حکومتی حضرت امیر زنان در امر تبلیغ، در سپاه (در میدان نبرد) و در صدر مناصب امنیتی نقش آفرینی می کردند. ام الفضل بنت حارث، ام الخیر البارقیه، ام سنان، زرقاء بنت عدی، دارمیه حجونیة و مجموعه زنان محافظ عایشه که او را تا مدینه همراهی کردند در زمره این گروهند که برخی از آنها حتی بعد از شهادت حضرت امیر نیز توسط معاویه برای پاسخگویی نسبت به فعالیت های خود به شام فراخوانده شدند.^{۱۱۴} این در حالی است که نه تنها جهاد بر زن واجب نیست،^{۱۱۵} بلکه مواضع حضرت امیر نسبت به کیفیت مشارکت زنان و دخالت ایشان در امور حاکمیتی، یا مشورت با ایشان، نیز بر کسی پوشیده نیست.^{۱۱۶}

۲-۳. مقوله دیات

عدم تساوی دیه زن و مرد از احکامی است که تقریباً میان تمامی مذاهب اسلامی مورد اتفاق است. قول مشهور فقها عدم تساوی دیه زن و مرد نه تنها در خصوص دیه کامل، بلکه

^{۱۱۳} فاطمه سهامی، «گفت و گوی تفصیلی فارس با بانوی اول قضاوت در خراسان رضوی»، (۱۳۹۷)، [قابل دسترس در: https://www.farsnews.ir/news/13970814000416/900](https://www.farsnews.ir/news/13970814000416/900)

بازدید ۲۹ مرداد ۱۴۰۲.

^{۱۱۴} زهرا یوسفیان، «بررسی عرصه های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (ع)»، نامه جامعه فصلنامه معارف اسلامی، شماره ۲ (۱۱۶)، (۱۳۹۴) صص ۱۰۰-۱۰۶.

^{۱۱۵} محمد بن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق) ص ۴۳۶.

^{۱۱۶} محمد دشتی، نهج البلاغه (ترجمه) (قم: پارسایان، ۱۳۷۹) خطبه ۸۰ و نامه ۱۴.

در مورد دیه اعضاء بیش از یک سوم دیه کامل است.^{۱۱۷} این نظر فقهی شکل قانون پیدا کرده و از این رو هنجار اجتماعی تلقی می‌شود؛ لیکن نظرات معدود فقهی که رأی به تساوی دیه زن و مرد داده‌اند می‌تواند حاکی از این واقعیت باشد که تنصیف دیه ماهیت پرهیزه یا عرف اجتماعی قدرتمندی ندارد.^{۱۱۸} به هر حال اعمال رویه تنصیف دیه می‌تواند مغایر با مقررات کنوانسیون در تساوی حقوق زن و مرد تلقی گردد.^{۱۱۹}

لذا با توجه به کم رنگ شدن فلسفه نصف بودن دیه زن و مرد که همان نان‌آوری مرد بوده است این تعارض را می‌توان نوعی تعارض ظاهری دانست و از این رو در جهت تعدیل این حکم گام برداشت. نظام جمهوری اسلامی اما به این معنی توجه داشته و برای مثال می‌توان به تبصره ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی اشاره داشت که تصریح می‌دارد «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود».^{۱۲۰} اعمال این قانون با رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی که صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت دیه زنان می‌داند به عنوان رویه قضائی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^{۱۲۱} این رویکرد حقوق موضوعه در ایران فی نفسه نمونه بارزی از ارائه الگوی اسلامی در جهت رفع تعارضات میان هنجارهای حاکم بر جوامع اسلامی و مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ محسوب می‌شود؛ چراکه اولاً، جانی محروم از حقوق خود به موجب شرع مقدس نخواهد بود و ثانیاً، زنان از دیه برابر با مردان برخوردار خواهند بود.

^{۱۱۷} عاطفه عباسی، «نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه زنان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۸ (۲۰)، (۱۳۹۶) صص ۹۶-۹۸.

^{۱۱۸} یوسف صانعی، منتخب الاحکام (قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۲) ص ۳۳۰.

Heunermund, Heberle, op. cit.

^{۱۱۹} CEDAW, 1979, arts 2, 11, and 15.

^{۱۲۰} قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

^{۱۲۱} هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷، با موضوع تکلیف صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به پرداخت مابه‌التفاوت دیه کلیه جنایات علیه زنان اعم از نفس یا اعضاء، ۱۳۹۸/۰۲/۳۱.

۳-۳. حوزه احوال شخصیه

اعمال احوال شخصیه نه تنها در جوامع اسلامی بلکه در دیگر سرزمین‌هایی که قوانین و نظام سکولار بر آن حاکمیت دارد نیز در موارد متعددی در تعارض با مقررات کنوانسیون بوده است. لذا برای مثال بیش از نیمی از دولت‌های جنوب آسیا (چون هند و پاکستان) نسبت به اعمال مقررات کنوانسیون در خصوص قوانین مربوط به خانواده، تابعیت و اهلیت حق شرط قائل شده‌اند.^{۱۲۲} جالب است بدانیم که کمیته رفع تبعیض گزارشاتی علیه وضعیت زنان در این کشورها منتشر می‌کند لیکن برای مثال دولت هند، به تصریح کمیته، تاکنون التزام کافی به این نگرانی‌های راجع به ابعاد گوناگون نقض حقوق زنان نداشته است.^{۱۲۳}

به هر حال مقررات کنوانسیون، خصوصاً از حیث امور خانوادگی (ماده ۱۶) در مواردی با مقررات حقوق موضوعه کشورمان و البته مقررات احوال شخصیه در بسیاری دیگر از جوامع نیز مغایرت دارد. مشخصاً حق طلاق،^{۱۲۴} حق تعیین محل سکنی^{۱۲۵} و حق حضانت برای مرد^{۱۲۶} و نیز حداقل سن برای ازدواج،^{۱۲۷} لزوم اذن ولی برای ازدواج دختر باکره^{۱۲۸} و مسائل مربوط به سهم‌الارث را می‌توان از مهمترین موارد تغایر برشمرد.^{۱۲۹}

بسیاری از این تمایزات در حقوق و تکالیف زن و مرد اما ریشه در فرهنگ حاکم بر جامعه ایرانی و مذهب تشیع دارد و سال‌ها پیش از تصویب اولین قانون مدنی مدون در ایران به سال ۱۳۰۷ نیز در جامعه ایرانی به واسطه قضات و متولیان امور حسبی اعمال می‌شده است. لذا این مقررات حقوقی نه تنها ماهیت هنجاری در قالب قانون، بلکه ماهیت آداب و رسوم (عرف)، شیوه‌های قومی و بعضاً پرهیزه اجتماعی دارد. آیا می‌توان به قطع

¹²² Rana, Perrie, op. cit. at 112.

¹²³ Ibid. at 122. Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Observations on the Combined Fourth and Fifth Periodic Reports of India, UN Doc CEDAW/C/IND/CO/4-5, (24 July 2014).

¹²⁴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۰۷) ماده ۱۱۳۳.

¹²⁵ همان، ماده ۱۱۱۴.

¹²⁶ همان، ماده ۱۱۶۹.

¹²⁷ همان، ماده ۱۰۴۱.

¹²⁸ همان، ماده ۱۰۴۳.

¹²⁹ همان، مواد ۸۸۷-۱۲۵۱.

ادعا کرد که مثلاً ازدواج دختر باکره بدون اذن ولی، جواز چند همسری برای زنان،^{۱۳۰} عدم التزام به حق حضانت برای مردان، یا تعیین سهم الارث به نوعی متفاوت از قوانین فعلی منجر به واکنش اجتماعی نخواهد شد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان ادعا کرد که مقررات فعلی در این حوزه‌ها ماهیت هنجاری (پرهیزه) اجتماعی خود را از دست داده است؟ مطابق اصل استصحاب و در نبود اماره قطعی بر خلاف آن، پاسخ منفی است.

البته فقه شیعی در قالب‌هایی چون شرط ضمن عقد، توسل به قواعد ثانویه چون لاضرر و عسر و حرج و اضطرار و نظریاتی چون تعطیل حدود شرعی در عصر غیبت سعی در تطبیق حقوق و تکالیف افراد جامعه در پرتو اقتضائات زمان دارد. برای نمونه در مسائلی چون حق طلاق می‌توان از شرط ضمن عقد و نیز قاعده عسر و حرج مدد جست. امری که امروزه صورت قانونی به خود گرفته و وکالت زن در طلاق به صورت شرط ضمن عقد نکاح در اسناد ازدواج بیش از پیش رواج دارد.^{۱۳۱} در خصوص اموری چون ریاست مرد بر خانواده یا تعیین محل سکنی نیز صرف نظر از اینکه این ریاست بیشتر موجد تکلیف است تا حق و امتیاز، باید گفت در مواردی که مرد از این حکم قانونی سوء استفاده کند ریاست وی عملاً زایل می‌گردد.^{۱۳۲} شاید با توجه به همین ویژگی مطابقت‌پذیری احکام فقهی اسلام با اقتضائات نوین اجتماعی است که نظام جمهوری اسلامی به تصویب قوانینی با ماهیت تبعیض مثبت به نفع زنان در جامعه همت گماشته است.^{۱۳۳} مصوباتی که می‌توان آن‌ها را مشخصاً هم راستا با مقررات مواد (۲) و (۱۱) کنوانسیون ۱۹۷۹ محسوب نمود. این رویکرد همچنین سازگار با اندیشه حضرت امیر است که تعصب‌گرایی بدون علت و سبب

¹³⁰ Polyandry.

^{۱۳۱} قانون مدنی، مواد ۱۱۱۴-۱۱۱۹.

^{۱۳۲} سید مصطفی محقق داماد، (۱۳۹۷)، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، (قم: مرکز نشر علوم اسلامی، ۲۷۶-۳۶۳).

^{۱۳۳} برای مثال بنگرید به: اصلاح ماده (۹۴۶) قانون مدنی در خصوص ارث‌بری زنان از اموال منقول و غیرمنقول شوهر مصوب سال ۱۳۸۷، قانون افزایش پوشش توانبخشی و حمایتی معلولان و زنان سرپرست خانوار توسط سازمان بهزیستی کشور مصوب سال ۱۳۸۷، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰.

را از آفات اجتماعی می‌دانند.^{۱۳۴} رهنمودی که امکان تصویب یا اصلاح بسیاری از قوانین و مقررات حقوق موضوعه از آن مستفاد است.

پر واضح است که تصویب قوانین جدید و بهره‌مندی تمامی اقشار زنان از حقوق خود البته به میزان زیادی بستگی به آگاهی لازم و همچنین کارآمدی دستگاه قضاء در تحقق این حقوق به نفع خواهان دارد؛ چرا که دولت نمی‌تواند به اهداف خود نائل شود زمانی که سیستم قضائی آن عادلانه و منصفانه رفتار نمی‌کند.^{۱۳۵} در کشور ما این شاخص نیز با تأسیس نهادهایی چون دادگاه خانواده دنبال شده است.

نکته حائز توجه اما این است که کنوانسیون صراحتاً خواستار تدابیر دولت‌های عضو در اصلاح تمامی بسترهای اجتماعی و فرهنگی حاکم میان زن و مرد است؛ به گونه‌ای که تبعیض‌های عرفی و همه‌رویه‌های رفتاری که قائل به برتری هر یک از این دو جنس بر دیگری هستند را از بین ببرند.^{۱۳۶} لذا انتظار می‌رود که قضات رسیدگی‌کننده به ادعاهای نقض مقررات این کنوانسیون و مفسرین مقررات کنوانسیون که میزان تبعیت دولت‌ها از مقررات آن را مورد سنجش قرار می‌دهند چند نکته حائز اهمیت را از نظر دور ندارند.

اولاً عمده مقررات کنوانسیون می‌تواند مورد اعمال حق شرط باشد و کیفیت و میزان التزام دولت‌ها به مقررات این سند، به استثنای مواد (۲) و (۱۶)، در پرتو این حق باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

ثانیاً احراز اینکه هنجارهای عرفی بر مبنای برتری مرد بر زن یا بالعکس وضع شده، امری ذهنی است. همانطور که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، چنین نظری به میزان زیادی تابع رویکرد حقوقی مفسر یا قاضی اعمال‌کننده مقررات کنوانسیون در هر پرونده است.^{۱۳۷} متأسفانه کنوانسیون ۱۹۷۹ در مقررات ماهوی خود هیچ تصریحی به اهمیت رعایت هنجارهای عرفی و تفاوت آداب و رسوم و شیوه‌های قومی با پرهیزهای اجتماعی نداشته است. این ویژگی نه تنها با رویکرد کلی مکتب حقوق طبیعی ناسازگار است، بلکه با مواضع فلسفی عقل‌گرایان^{۱۳۸} و جامعه‌گرایان^{۱۳۹} نیز چندان مطابقت ندارد.^{۱۴۰} چرا که اگر مقررات

^{۱۳۴} دشتی، همان خطبه ۱۹۲ و ۲۰۱.

^{۱۳۵} Gail Belaief, *Spinoza's Philosophy of Law* (The Hague: Mouton 1971) at 91-4.

^{۱۳۶} CEDAW, 1979, art 5(1).

^{۱۳۷} On a case-by-case basis.

^{۱۳۸} Rationalists.

^{۱۳۹} Communitarianists.

و قوانین حاکم بر جامعه منصفانه نباشد، ولو با ادعای تحقق اهداف اخلاقی وضع شده باشد، به دلیل تعارض با هنجارهای اجتماعی و حقوق طبیعی افراد جامعه راهبردی خطاست که می‌تواند امانت‌داری و صلاحیت دولت را به چالش بکشد و به تضعیف و یا حتی سقوط حاکمیت منجر گردد.^{۱۴۱} امری که به وضوح در سیر تصویب سیاست‌های مغایر با هنجارهای اسلامی راجع به پوشش زنان در دولت‌های ترکیه و ایران به وقوع پیوست و نهایتاً به عقب نشینی این دولت‌ها از اعمال قوانین سختگیرانه نسبت به شریعت انجامید.^{۱۴۲} نمونه دیگری از واکنش‌های اجتماعی و عرفی نسبت به مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی را نیز می‌توان در تبعیت و کلا و حقوقدانان از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^{۱۴۳} در کشورهای عضو این سازکار جستجو کرد. این سند با هدف ایجاد هماهنگی و ارائه نظام حقوقی متحدالشکل برای تمامی قراردادهای بیع بین‌المللی کالا میان تجار و بازرگانان به تصویب رسید. اما با گذشت قریب به ۴۰ سال از تصویب این سند هنوز بسیاری از تجار و کلا در کشورهای عضو اساساً تمامی قراردادهایشان را از ذیل حاکمیت کنوانسیون بیع استثناء می‌دارند؛ چرا که حاکم دانستن مقررات کنوانسیون بیع بر قراردادهای آنها به مثابه هنجاری الزام‌آور محسوب نمی‌شود، بلکه با رویه‌های عرفی خاص ایشان نیز سازگاری ندارد.^{۱۴۴}

جالب است بدانیم که این گونه ملاحظات عقل‌گرایانه و جامعه‌گرایانه را می‌توان در اندیشه حضرت امیر و سیره حکومتی ایشان نیز دنبال کرد. ایشان اگر چه بر حقوق و آزادی‌های فردی تأکید دارند و خود در رفتار یک‌الگوی تمام عیار هستند، این آزادی‌ها

^{۱۴۰} محمد ابوالفتحی، مختار نوری، «جامعه‌گرایان و نقد فردگرایی و بی‌طرفی دولت لیبرال»، غرب‌شناسی بنیادی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳ (۲)، (۱۳۹۱) صص ۶-۱۲.

^{۱۴۱} Belaief, op. cit. at 91-4.

^{۱۴۲} Eg, Ruth A. Miller, "The Turkish Republic" in Anver M. Emon, Rume Ahmed (eds), *The Oxford Handbook of Islamic Law* (Oxford: Oxford University Press, 2018) 653-72.

^{۱۴۳} United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) (CISG).

^{۱۴۴} Y. Tiong Min, "The CISG as a Model for an International Contract Law" in *UNCITRAL-Singapore Seminar of 35 Years of the CISG: Achievements and Perspectives* (Singapore: Singapore Management University, 2015) at 1-4.

را منوط به مصالح جامعه می‌دانند و رویکرد جامعه‌گرایانه در منظومه فکری ایشان بسیار برجسته است. از همین رو بطور خاص برای نهاد خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل هستند و از سوی دیگر بر اهمیت و تأثیرگذاری ویژگی‌های فردی برای بقای ساختار اجتماعی تأکید دارند.^{۱۴۵} از این‌رو نگاه ایشان به زن و حقوق را نباید در قالب‌های فردگرایی^{۱۴۶} واکاوی نمود.

حال آنکه رویه هنجارزدائی که امروزه در برخی جوامع، زیر پرچم آزادی و برابری و با منظر فردگرایی افراطی^{۱۴۷} دنبال می‌شود، جایگاه زن، نهاد خانواده و دیگر هنجارهای حاکم بر جوامع را در جهت منفعت و یا لذات فردی تهدید می‌کند. این رویکرد ظاهراً هیچ هنجار اخلاقی یا مذهبی ثابتی را نیز به رسمیت نمی‌شناسد و نه تنها هنجارهای جوامع اسلامی بلکه هنجارهای دیگر اهل کتاب را نیز علیرغم صراحت متون مقدس نقض می‌کند. به نظر می‌رسد که باید این فرآیند افراطی الزام دولت‌ها به تسهیل و تغییر هنجارهای اخلاقی، مذهبی و فرهنگی حاکم بر جوامع در نقطه‌ای، با استفاده از ارزش‌های مورد اتفاق فطری و طبیعی متوقف گردد.^{۱۴۸}

ثالثاً، باید اشاره داشت که حتی اگر اخلاقی نبودن یا نیاز به تغییر برخی احکام رفع تبعیض علیه زنان برای قانون‌گذار ثابت شود، آیا تغییر چنین قوانین لزوماً به مصلحت است؟ این مقوله‌ایست که بخصوص در سطح مدیریت کلان جوامع حائز اهمیت است و از اقتضائات قاعده دفع افسد به فاسد و از فروعات قاعده لاضرر است.^{۱۴۹} لذا نمی‌توان صرفاً با هدف تحقق اهداف کنوانسیون ۱۹۷۹ به تغییر تمامی هنجارهای حاکم بر احوال شخصیه و نظام خانواده دست زد. چرا که ممکن است بطور بالقوه به واکنش اجتماعی دامن‌زند،

^{۱۴۵} عباسعلی رهبر، «علی ملک‌زاده، اصالت فرد در اندیشه سیاسی امام علی (ع)»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۳ (۱۳)، (۱۳۸۹)، صص ۱۷۱، ۱۹۷-۱۹۵.

^{۱۴۶} Individualism.

^{۱۴۷} Libertinism.

^{۱۴۸} R. Scott Clark, "Sexual Liberation, Natural Law, and the Modern Resistance to Fixed Moral Norms", (2010), available at: <https://heidelblog.net/2010/08/sexual-liberation-natural-law/>, accessed 20 August 2023.

^{۱۴۹} محمدعلی حاجی ده‌آبادی، «قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی - جرم‌شناختی آن»، فقه و حقوق، شماره ۵ (۱۸)، (۱۳۸۷)، صص ۲۹-۳۰.

زمینه‌ساز ارتکاب جرائم گردد، یا منجر به قانون‌گریزی شود.^{۱۵۰} لذا علی‌رغم تکالیف نهادهای حاکمیتی در جریان تحقق و اجرائی سازی قوانین با هدف رفع تبعیض علیه زنان، که در کشورمان در هر مورد تابع نظر کارشناسی و تصویب مراجع قانون‌گذاری چون مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت است،^{۱۵۱} کنوانسیون ۱۹۷۹ و کمیته رفع تبعیض نیز طبیعتاً در گزارش‌های خود نباید نسبت به تبعات اجتماعی چنین اصلاحاتی بطور کلی بی‌اعتناء باشند.

نهایتاً اینکه تعهدات دولت‌ها نسبت به رفع اشکال تبعیض علیه زنان و اقتضانات آن را باید با توجه به اصل تفسیر به زیان متعهدله^{۱۵۲} تفسیر کرد. این اصل که هم راستا با اصل برائت است هم در احراز مطابقت یا عدم مطابقت حق شرط‌های اعمال شده توسط دولت‌ها با هدف و مقصود کنوانسیون لازم‌الاتباع است و هم در رابطه با احراز دیگر مولفه‌های ذهنی که به موجب مقررات ماهوی کنوانسیون دولت‌ها نسبت به آن مکلفند؛^{۱۵۳} بدین ترتیب که کمیته رفع تبعیض، یا حسب مورد دیگر محاکم رسیدگی کننده به دعاوی مستند به کنوانسیون علیه دولت‌های عضو، باید کمترین مسئولیت را برای دولت متعهد در نظر بگیرند و توجه به نوع و میزان فشار هنجاری هر یک از اقتضانات مذهبی و فرهنگی حاکم بر جوامع و تبعات تغییر آن‌ها نیز در این میان حائز اهمیت است.^{۱۵۴}

نتیجه‌گیری

با مطالعه مقررات کنوانسیون ۱۹۷۹ و دکترین حقوقی به این نتیجه می‌رسیم که این سند بطور مختصر و کلی تدوین شده و رعایت ملاحظات هنجاری اسلام، یا هر مذهب دیگری نیز، تا حدود زیادی تابع چگونگی تطبیق موضوعات کنوانسیون بر مصادیق در هر جامعه است. باری رویکرد این سند به برابری جنسیتی با رنگ و بوی فردگرایی افراطی همراه است. از این‌رو کنوانسیون، رفع کلیه اشکال تبعیض میان زن و مرد، به معنای یکسان‌سازی

^{۱۵۰} موثقی، همان.

^{۱۵۱} حاجی ده‌آبادی، همان، صص ۲۹-۳۰.

^{۱۵۲} Contra Proferentem Rule.

^{۱۵۳} فضل‌الله موسوی و همکاران، «مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱(۱)، (۱۳۹۱) صص ۱۹۹-۲۰۰.

^{۱۵۴} Peter Railton, *Facts, Values, and Norms: Essays Toward a Morality of Consequence* (Cambridge: Cambridge University Press, 2003) at 322-26.

حقوق و امتیازات فارغ از اقتضائات جنسیتی، فرهنگی و مذهبی در جوامع مختلف را دنبال می‌کند. از همین رو است که اساساً تأکید آن بر برابری (equality) بوده است و تصریحی به لزوم برابری منصفانه حقوق (equity)، به شکل عادلانه (just) و یا منصفانه (fair) ندارد. وانگهی در هیچ یک از مواد این کنوانسیون به اهمیت هنجارهای اجتماعی (norms) نیز پرداخته نشده است. می‌توان ادعا کرد که در این معنی مقررات کنوانسیون به خانواده به عنوان مهمترین نهادهای اجتماعی و ابعاد و الزامات تقویت این نهاد بی‌توجه بوده است. رویکردی فردگرایانه که در موارد بسیاری گرایش افراطی (Libertinism) از آن مستفاد است. بر خلاف این سند که به وضوح اصالت فرد را سرلوحه قرار داده اما جوامع گوناگون در کشورهای عضو (چون اندونزی و هند) و غیر عضو (چون ایران) از تنوع فرهنگی، هنجارهای اجتماعی که بعضاً ماهیت پرهیزه نیز دارد و ملاحظات مذهبی در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی برخوردارند. خصوصاً اینکه اهمیت جامعه و لزوم تقویت ساختار اجتماعی در تفکرات مذهبی در این کشورها بطور سنتی محسوس است. مثال بارز آن منظومه فکری حضرت امیر (ع) است که فرد و ویژگی‌های اشخاص را اساساً در بستر جامعه و با توجه به تأثیری که می‌تواند بر آن داشته باشد مورد نقد یا تمجید قرار می‌دهند.

همین خصوصیت ماهوی مقررات کنوانسیون است که موفقیت این سند در میزان التزام دولت‌های سکولار و البته مذهبی نسبت به آن را با چالش‌های جدی روبرو ساخته است. نتیجتاً اینکه دولت‌ها لاجرم به اعمال حق شرط‌های گسترده بر مقررات آن روی آورده‌اند و گزارشات و توصیه‌های عمومی کمیته رفع تبعیض نیز لزوماً منجر به اعمال اصلاحات اساسی در این کشورها نشده است. البته نمی‌توان بطور کلی منکر لزوم اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با تبعیض جنسیتی بود؛ خصوصاً اینکه در منظومه فکری حضرت امیر تعصب بی‌علت به رویه‌های حاکم در جامعه مذموم شمرده شده است. لذا همانطور که اصلاحاتی در قوانین موضوعه ایران راجع به مسائل مختلف حقوق زنان چون تصدیق مناصب قضائی، دیات و احوال شخصیه دنبال شده، در مواقعی که علت اصلی وضع احکام از بین رود و تغییر چنین احکامی مغایرت با شرع نداشته باشد، اصلاح قوانین و مقررات می‌تواند مطلوب و هماهنگ با اقتضائات جامعه باشد که حکم‌ی‌دور مع‌علته وجوداً و عدماً. البته این به معنی عدم رعایت ملاحظات برخاسته از قاعده لاضرر در چگونگی اعمال اصلاحات به نوعی که حداقل مفسده را داشته باشد نیز نخواهد بود.

با وجود این، تغییر هنجارهای موجود از حیث روابط زن و مرد، یا میزان آزادی هر یک از دو جنس در اموری چون نکاح، جهاد، نحوه پوشش و غیره لاجرم حد یقینی نیز باید داشته باشد؛ و الا با واکنش اجتماعی و یا قانون‌ستیزی و قانون‌گریزی مواجه خواهد شد. گزاره‌ای که نه تنها در جریان وضع قوانین غیرمذهبی در ترکیه و ایران دوران پهلوی درستی آن سنجیده شده، بلکه امروزه در جوامع سکولار غربی نیز مبتلی به است. این از الزامات مکاتب حقوق طبیعی، جامعه‌گرایی و عقل‌گرائیست که غالباً با هنجارزدائی افسارگسیخته در جامعه مخالفند. بر این مبنی اسناد بین‌المللی که ملاحظات ماهوی و شناختی مذاهب و مکاتب حقوقی و فلسفی برجسته را مورد توجه قرار نداده‌اند، یا اساساً در تضاد با آن باشند، طبیعتاً مقبولیت چندانی در سطح اجرائی به دست نخواهند آورد. کنوانسیون ۱۹۷۹ را می‌توان در همین زمره دانست؛ از همین رو است که اصلاح برخی مقررات آن اهمیت دارد. این البته به معنی ضرورت و فوریت اصلاح تمامی مقررات این سند نیست؛ بلکه در بسیاری موارد صرف تصویب الحاقیه یا ارائه نظریات تفسیری کمیته نیز می‌تواند راه‌گشا باشد. خصوصاً اینکه نگرش حقوقی و استنباط مفسرین مقررات کنوانسیون در کمیته، یا قضاوت محاکم رسیدگی کننده به این دعاوی از جایگاه زن در نهادهای اجتماعی و سلسله مراتب هنجارهای حاکم بر هر جامعه، از جمله جایگاه حقوق زن در حوزه احوال شخصیه و یا ابعاد حقوقی مناسبات و روابط میان زن و مرد در پرتو مبانی فلسفی قوانین و سیاست‌ها، در کیفیت تطبیق مقررات کنوانسیون بر مصادیق خارجی تعیین کننده است.

منابع

کتاب‌ها

- آشوری، محمد و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت (تهران: خرسندی، ۱۳۹۴).
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ هشتم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰).
- جوادی آملی، عبد الله، زن در آینه جلال و جمال (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵).
- دشتی، محمد، نهج البلاغه (ترجمه) (قم: پارسایان، ۱۳۷۹).

صانعی، یوسف، منتخب الاحکام (قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۲).

محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن (قم: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۷).

مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد دوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹).

مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد سرایی (تهران: بهینه، ۱۳۹۴).

موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، چاپ ۶ (تهران، نشر کارنامه، ۱۴۰۰).

مقالات

ابوالفتحی، محمد، نوری، مختار، «جامعه‌گرایان و نقد فردگرایی و بی‌طرفی دولت لیبرال»، غرب‌شناسی بنیادی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳ (۲)، (۱۳۹۱).

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، «قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی - جرم‌شناختی آن»، فقه و حقوق، شماره ۵ (۱۸)، (۱۳۸۷).

رهبر، عباسعلی، ملک‌زاده، علی، «اصالت فرد در اندیشه سیاسی امام علی (ع)»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۳ (۱۳)، (۱۳۸۹).

عباسی، عاطفه، «نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه زنان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۸ (۲۰)، (۱۳۹۶).

محمدی گیلانی، محمد، «شایستگی زنان برای عهده‌دار شدن قضاوت»، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۱۰، (۱۳۷۶).

مهرپور، حسین، «سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آن‌ها در نقض حقوق بشر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۱ (۴)، (۱۳۸۸).

موثقی، حسن، «بررسی تطبیقی مبانی فلسفی «حقوق» از منظر مکاتب حقوق بین‌الملل و جامعه‌شناسی»، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۱۱ (۴۰)، (۱۳۹۷).

موسوی، فضل‌الله و همکاران، «مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱ (۱)، (۱۳۹۱).

میرداداشی، سید مهدی، «موجبات طلاق از منظر فقه شافعی و حنفی»، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۵ (۱۹)، (۱۳۹۳).

هدایت‌نیا، فرج‌الله، «قضاوت زن در پرتو احکام ثانویه»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۲، (۱۳۸۵).

یوسفیان، زهرا، «بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (ع)»، نامه جامعه فصلنامه معارف اسلامی، شماره ۲ (۱۱۶)، (۱۳۹۴).

منابع آنلاین

سهامی، فاطمه، «گفت و گوی تفصیلی فارس با بانوی اول قضاوت در خراسان رضوی»، (۱۳۹۷)

قاب: <https://www.farsnews.ir/news/13970814000416/900-> ل د س ترس در:

بازدید ۲۹

مرداد ۱۴۰۲.

اسناد

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۰۷).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷، با موضوع تکلیف صندوق تأمین

خسارت‌های بدنی به پرداخت مابه‌التفاوت دیه کلیه جنایات علیه زنان اعم از نفس یا اعضاء،

۱۳۹۸/۰۲/۳۱.

عربی

حراملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق).

References

Books

Ashouri, Mohammad, et al., *Human Rights and Concepts of Equality, Fairness and Justice* (Tehran: Khorsandi, 2015) [In Persian].

Belaief, Gail, *Spinoza's Philosophy of Law* (The Hague: Mouton 1971).

Croucher, Stephen M., et al., "Religion, Culture, and Communication" in J. Nussbaum (Ed.), *Oxford Research Encyclopedia of Communication* (Oxford: Oxford University Press, 2017).

Dashti, Mohammad, *Nahj al-Balagha (A Translation)* (Qom: Parsayan, 2001) [In Persian].

Gregory, Raymond F., *Women and Workplace Discrimination: Overcoming Barriers to Gender Equality* (London: Rutgers University Press, 2003).

Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, *Expanded Legal Terminology*, 5th Volume, 8th Edition (Tehran: Ganje Danesh, 2020) [In Persian].

Javadi Amoli, Abdullah, *Woman in the Mirror of Glory and Beauty* (Qom: Isra, 1997) [In Persian].

Kadelbach, Stefan, "State Immunity, Individual Compensation for Victims of Human Rights Crimes, and Future Prospects" in Valentina Volpe et. al. (eds), *Remedies against Immunity?* (Berlin: Springer, 2021).

- Krivenko, Ekaterina Yahyaoui, *Women, Islam and International Law: Within the Context of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women* (Leiden: Brill, 2009).
- Marashi Shoushtari, Mohammad Hasan, *New Perspectives in Islamic Criminal Law*, 2nd Volume (Tehran: Mizan, 2001) [In Persian].
- Miller, Ruth A., "The Turkish Republic" in Anver M. Emon, Rumees Ahmed (eds), *The Oxford Handbook of Islamic Law* (Oxford: Oxford University Press, 2018).
- Mohagheghdamad, Seyed Mostafi, *Jurisprudential Review of Family Law: Marriage and its Dissolution* (Qom: Islamic Sciences Publishing Center, 2017) [In Persian].
- Mowahed, MohammadAli, *In the Atmosphere of Truth and Justice: From Natural Rights to Human Rights* (Tehran: Karnameh, 2020) [In Persian].
- Mughnia, Mohammad Javad, *Fiqh Ali al-Mahabih al-Khamsa*, Translated by Mustafa Jabari and Hamid Masjidsarai (Tehran: Behineh, 2014) [In Persian].
- Nsude, Ifeyinwa, Nwinaene, Vivian-Peace, and Oko, Blessing, "Impact of Online Behaviour on Gender Equity: Special Focus on Facebook and Blogs" in Nkem Fab-Ukozor, Onyebuchi Chima Alexander (eds), *Gender and National Development: Issues and Perspectives* (Cambridge: Cambridge Scholars Publishing, 2023).
- Pellet, Alain, "Reservations to Treaties and the Integrity of Human Rights" in Scott Sheeran, Sir Nigel Rodley (eds), *Routledge Handbook of International Human Rights Law* (London: Routledge, 2013).
- Perry, John A., Perry, Erna K., *Contemporary Society: An Introduction to Social Science* (London: Routledge, 2016).
- Railton, Peter, *Facts, Values, and Norms: Essays Toward a Morality of Consequence* (Cambridge: Cambridge University Press, 2003).
- Rana, Bandana, Perrie, Victoria, "CEDAW: A Tool for Addressing Violence against Women" in Sarah S. Aneel, Uzma T. Haroon, and Imrana Niazi (eds), *70 Years of Development: The Way Forward* (Islamabad: Sustainable Development Policy Institute, 2019).
- Salem, Nora, *The Impact of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women on the Domestic Legislation in Egypt* (Leiden: Brill, 2018).
- Sanei, Youssef, *Muntakhab al-ahkam* (Qom: author: Maysam Temar, 2003) [In Persian].
- Soper, Philip, *The Ethics of Deference: Learning from Law's Morals* (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).
- Tiefenbrun, Susan W., *Women's International and Comparative Human Rights* (Durham: Carolina Academic Press, 2012).
- Tiong Min, Y., "The CISG as a Model for an International Contract Law" in *UNCITRAL-Singapore Seminar of 35 Years of the CISG: Achievements and Perspectives* (Singapore: Singapore Management University, 2015).
- Wijaya, Hendri Yulius, "Conservative Islamic Forces, Global LGBT Rights, and Anticipatory Homophobia in Indonesia" in Marco Derks,

Mariecke van den Berg (eds), *Public Discourses About Homosexuality and Religion in Europe and Beyond* (Switzerland: Springer, 2020).

Articles

- Abbasi, Atefeh, "A critical Review of the Inequality of Men's and Women's Diya in the Legal System of the Islamic Republic of Iran", *Women Studies*, No. 8(20), (2017), [In Persian].
- Abolfathi, Mohammad, Nouri, Mukhtar, "Socialists and Criticism of Individualism and Neutrality of Liberal Government", *Basic Western Science*, No. 3(2) (2013). [In Persian].
- Atwater, Leanne E., et al., "Looking Ahead: How What We Know About Sexual Harassment Now Informs Us of the Future", *Organizational Dynamics*, No. 48(4), (2019).
- Coleman, Jules L., "The Architecture of Jurisprudence", *The Yale Law Journal*, No. 121(1), (2011).
- Cullison, Alan D., "Morality and the Foundations of Legal Positivism", *Valparaiso University Law Review*, No. 20(1), (1985).
- Enworo, Oko Chima, Njemanze, Vivian Chizoma, "Acceptable Minimum Threshold of Universal Access to Social Services for Women in Nigeria: A Review of Selected Issues in the National Gender Policy", *Journal of International Women's Studies*, No. 23(1), (2022).
- Fischman, Joshua B., "Measuring Inconsistency, Indeterminacy, and Error in Adjudication", *American Law and Economics Review*, No. 16(1), (2014).
- Hajidehabadi, Mohammad Ali, "The Rule of 'Changing the worst for bad' and its Legal-Criminological Consequences", *Islamic Law*, No. 5(18), (2008) [In Persian].
- Hedayat Nia Ganji, Farajullah, "Judging Women in the Light of Secondary Rulings", *Women's Strategic Studies*, No. 32, (2015), [In Persian].
- Keller, Linda M., "The Impact of States Parties' Reservations to the Convention on the elimination of All Forms of Discrimination against Women", *Michigan State Law Review*, (2014).
- Mehrpour, Hossein, "International mechanisms and their level of deterrence in human rights violations", *International Relations*, No. 1(4), (2008), [In Persian]
- Messner, Johannes, "Postwar Natural Law Revival and Its Outcome", *Natural Law Forum*, No. 41, (1959).
- Mirdadashi, Seyyed Mehdi, "Causes of Divorce from the Perspective of Shafi'i and Hanafi Jurisprudence", *The Journal of Jurisprudential and Philosophical Studies*, No. 5(19), (2014), [In Persian].
- Mohammadi Gilani, Mohammad, "Eligibility of Women to be in Charge of Judging", *Ahl al-Bayt Jurisprudence*, No. 10, (1998), [In Persian].
- Mosavi, Fazlolah, et al., "The Principles of Interpretation of Contract (A Comparative study)", *Private Law Research*, No. 1(1), (2012), [In Persian].
- Movassaghi, Hassan, "Comparative Study of Philosophical Principles of 'Law' from International Law Schools and Sociology Perspectives", *The Journal of Sociology Studies*, No. 11(40), (2018) [In Persian].

- Pietropaoli, Irene, "Islamic Reservations to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women", *The Journal of Human Rights*, No. 14(2), (2019).
- Rahbar, Abasali, MalekZade, Ali, "Individual Originality in the Political Opinion of Imam Ali", *Research Letter of International Relations*, No. 3(13), (2011) [In Persian].
- Sharma, Indira, "Violence Against Women: Where are the Solutions?", *Indian Journal of Psychiatry*, No. 57(2), (2015).
- Tuslian, Widya Naseva, "The Elimination of Culture Based Discrimination Against Women in Indonesia: An Assessment Of The Implementation Of State Parties' Obligations Under Article 5(A) Of The Women's Conventions", *Indoneisa Law Review*, No. 9(1), (2019).
- Yousefian, Zahra, "Investigating the Fields of Women's Presence during the Reign of Imam Ali", *The Letter of the Islamic Teachings Quarterly*, No. 2(116), (2014), [In Persian].

Online sources

- Australian Human Rights Commission, "Let's talk about equality and equity", available at: <https://humanrights.gov.au/lets-talk-about-equality-and-equity>. Accessed 10 August 2023.
- Cambridge Dictionary, "Meaning of women's rights in English", available at: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/women-s-rights>. Accessed 10 August 2023.
- Centre for Women, Peace and Security, "CEDAW's Key Cases on Violence against Women", available at: <https://blogs.lse.ac.uk/vaw/int/cedaw/cedaws-key-cases/>. Accessed 10 August 2023.
- Clark, R. Scott, "Sexual Liberation, Natural Law, and the Modern Resistance to Fixed Moral Norms", (2010), available at: <https://heidelblog.net/2010/08/sexual-liberation-natural-law/>. Accessed 20 August 2023.
- Heunermund, Heather, Heberle, Manuela, "What are Cultural Norms?", (2021), available at: <https://study.com/learn/lesson/cultural-norms-definition-examples.html>. Accessed 12 August 2023.
- Horowitz, Juliana Menasce, Igielnik, Ruth, "A Century After Women Gained the Right To Vote, Majority of Americans See Work To Do on Gender Equality", (2020), available at: <https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/07/07/a-century-after-women-gained-the-right-to-vote-majority-of-americans-see-work-to-do-on-gender-equality/>. Accessed 9 August 2023.
- Human Rights Watch, "The Origins of the 'Witchcraft' Charge", available at: <https://www.hrw.org/reports/1997/saudi/Saudi-03.htm#>. Accessed 12 August 2023.
- Intergovernmental support, "World Conferences on Women", available at: <https://www.unwomen.org/en/how-we-work/intergovernmental-support/world-conferences-on-women#nairobi>. Accessed 10 August 2023.
- Kapur, Roshni, "Women's rights under the Taliban in Afghanistan: The China Factor", (2023), available at:

- <https://www.mei.edu/publications/womens-rights-under-taliban-afghanistan-china-factor>. Accessed 11 August 2023.
- Office of the High Commissioner, “Gender Equality and Women’s Rights”, **available at:** https://www.ohchr.org/en/topic/gender-equality-and-womens-rights?gclid=Cj0KCQjwoeemBhCfARIsADR2QCume_UMlv36H3x6CANPY1H0cZ9qkZ-g_JwcDTNWeD66rCrExQo0dMkaAkSpEALw_wcB. Accessed 11 August 2023.
- Office of the High Commissioner, “Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women”, (2023) **available at:** <https://indicators.ohchr.org/>. Accessed 15 August 2023.
- Office of the High Commissioner, “The Core International Human Rights Instruments and Their Monitoring Bodies”, **available at:** <https://www.ohchr.org/en/core-international-human-rights-instruments-and-their-monitoring-bodies>. Accessed 10 August 2023.
- Office of the Historian, “The Kellogg-Briand Pact, 1928”, (2023), **available at:** <https://history.state.gov/milestones/1921-1936/kellogg>. Accessed 15 August 2023.
- Piveteau, Charlotte, “Between Law and Values: Why Soft Law Reinforces the Hybrid Nature of International Human Rights Law”, (2020), **available at:** <https://www.implications-philosophiques.org/between-law-and-values-why-soft-law-reinforces-the-hybrid-nature-of-international-human-rights-law/>. Accessed 15 August 2023.
- Sahami, Fatemeh, “A Detailed Conversation between Fars and the First Lady of the Judiciary in Khorasan, Razavi”, (2018), **available at:** <https://www.farsnews.ir/news/13970814000416/900->. Accessed 21 August 2023. [In Persian]
- Schott, Christina, “Women’s Rights in the Indonesian Province of Aceh”, (2014), **available at:** <https://en.qantara.de/content/womens-rights-in-the-indonesian-province-of-aceh-the-population-is-being-systematically>. Accessed 15 August 2023.
- The Economist, “America’s Far Right is Increasingly Protesting Against LGBT People”, (2023), **available at:** <https://www.economist.com/graphic-detail/2023/01/13/americas-far-right-is-increasingly-protesting-against-lgbt-people>. Accessed 15 August 2023.
- Warsi, Zeba, Hastings, Dorothy, “Why Far-Right Groups are Increasingly Targeting the LGBTQ Community”, (2022), **available at:** <https://www.pbs.org/newshour/show/why-far-right-groups-are-increasingly-targeting-the-lgbtq-community>. Accessed 10 August 2023.

Documnets

- Charter of the United Nations (24 October 1945).
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Fifty-second session, Concluding observations of the Committee on the

Elimination of Discrimination against Women: Indonesia, UN Doc CEDAW/C/IDN/CO/6-7, (27 July 2012).

Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Observations on the Combined Fourth and Fifth Periodic Reports of India, UN Doc CEDAW/C/IND/CO/4-5, (24 July 2014).

Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding Comments of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women: Saudi Arabia, UN Doc CEDAW/C/SAU/CO/2, (8 April 2008).

Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (18 December 1979) (CEDAW).

Equal Pay Act 1970 (May 1970).

Equality Act 2010 (October 2010).

Free Trade Agreement between the UK and Ukraine (signed 8 October 2020).

General Assembly resolution endorsing the outcome of the World Conference of the International Women's Year : A/RES/3520 (XXX), 15 December 1975.

Illinois Criminal Code (1961).

International Covenant on Civil and Political Rights (16 December 1966).

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (16 December 1966).

Kellogg-Briand Pact (1928).

Maternity Protection Act 1994 (December 1994).

Matthew Shepard and James Byrd Jr. Hate Crimes Prevention Act (28 October 2009).

North American Free Trade Agreement between Canada, The United States and Mexico (NAFTA) (signed 17 December 1992).

Report of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women, U.N. Doc. A/53/38/Rev.1; GAOR, 53d Sess., Supp. No. 38 (1998).

Report of the Working Group on the Universal Periodic Review: Saudi Arabia, Human Rights Council, Twenty-fifth session, UN Doc A/HRC/25/3, (26 December 2013).

Resolution adopted by the General Assembly, Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, UN Doc A/RES/54/4, (15 October 1999).

The Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990).

Treaty Establishing European Economic Community (Treaty of Rome) (1957).

UN General Assembly, Transforming our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1, 21 October 2015.

United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) (CISG).

Universal Declaration of Human Rights (10 December 1948).

A Critical Study of the Convention on the Elimination of Discrimination against Women and Proposing for an Islamic Standard

Protecting the rights of women has been a permanent concern of human rights advocates throughout the last two centuries. Attempts led to the recognition of the principle prohibiting gender discrimination in several core human rights instruments and the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW). However, reports indicate that many States have not fully adhered to the provisions of CEDAW. It is important to review the basic concepts of gender discrimination and the provisions of the Convention to analyse the feasibility of its implication in societies that have diverse norms. Drawing on qualitative research this article attempts to answer the key question “What is the approach of CEDAW to norms governing different societies and what

legal standards do the Islamic Sharia norms require to be considered in municipal legal systems and the context of CEDAW?”. After providing a brief description of fundamental concepts in the field of gender equality, it critically reviews CEDAW and expounds on the quiddity and the causes of its shortcomings. Finally, it deals with the major contradictions between the provisions of CEDAW and the norms prevailing in Islamic societies and tries to propose an Islamic standard in this regard.

Keywords: Gender discrimination, Women’s rights, The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women 1979, Natural law, Equality, Individualism.